

دانه درشتها در تور سازمان خصوصی سازی

از آغاز تشکیل سازمان خصوصی سازی از سال ۱۳۸۰ تا امروز مهدی علی اکبر، احمد میرمطهری و صیدا... پورحسینی بر کرسی ریاست این سازمان نکیه زده اند. مدیرعاملهای اول و دوم با برنامه های بلند پروازانه و با هدف تحقق طرحهای خصوصی سازی و کاهش اختیارات دولت در بیکره اقتصاد به میدان آمدند، اما در رویارویی با کوه دشواری ها و به خصوص مقاومت بخش قدرتمند دولتی از نفس افتادند.

در دوران مدیرعاملی آنها ارزش سهام شرکتهای دولتی واگذار شده در مقایسه با ابعاد بخش دولتی بسیار ناچیز بوده و از طرفی بخش عمده این سهام نه در بخش خصوصی بلکه به نهادهای عمومی و بنیادها انتقال یافت. مدیرعامل تازه منصوب شده، صیدا... پورحسینی

پس از پایان دوره نمایندگی در مجلس ششم به دستگاه اجرایی راه یافت و به رسم پیشینان خود مأموریتش را با وعده های بزرگی چون جذب سرمایه های خارجی، واگذاری هواپیمایی و کشتیرانی به سرمایه گذاران خارجی و خصوصی سازی دانه درشتها آغاز کرد.

وی در شرایطی که جو عمومی کشور در عرصه های اقتصادی، سیاسی و حقوقی راه را همچنان بر خصوصی سازی بسته از تور انداختن دانه درشتها برای دستیابی به درآمد پیش بینی شده در بودجه سال ۸۳ از طریق فروش سهام خیر می دهد.

حالا این سؤال به ذهن می رسد که سازمان خصوصی سازی چگونه می تواند بدون روبرو شدن با واکنش مجلس و شورای نگهبان «دانه درشتها» را به بخش خصوصی و هواپیمایی و کشتیرانی را به سرمایه گذاران خارجی واگذار کند.

نخستین مانع در تحقق این امر اصل ۴۴ قانون اساسی است که بخشهای وسیعی از اقتصاد ایران از جمله کشتیرانی و هواپیمایی را به دولت می سپارد و اصل ۸۱ که ورود سرمایه های خارجی را آن هم به بخش های حساس با محدودیت های بسیار جدی روبرو می کند.

این در حالی است که خصوصی سازی دانه درشتها نیازمند سرمایه درشت است و سرمایه داران درشت نیز به دلیل تنگناهای سیاسی، وجود پنهان خود را آشکار نمی کنند و مشخص نیست که پورحسینی چگونه می خواهد می تواند به این روش درآمد مورد نظر در بودجه سال ۸۳ را محقق سازد. در چنین شرایطی بعید به نظر می رسد که مدیرعامل جدید سازمان خصوصی سازی بتواند به دستاوردهایی چشمگیرتر از دو مدیر پیشین این سازمان دست یابد.

بودجه ۸۳ اولین گرفتاری سازمان خصوصی سازی!
دست اندرکاران مسایل اقتصادی گره خوردن روند واگذاری سهام شرکتهای دولتی با قانون بودجه سال ۸۳ را

یکی از معضلات این سازمان می دانند به عقیده آنان دولت در سال جاری باید ۲۲ هزار میلیارد ریال سهام شرکتهای دولتی را از طریق سازمان خصوصی سازی به فروش برساند که با توجه به روند کند خصوصی سازی در سالهای گذشته تحقق این رقم در حاله ای از ابهام قرار دارد.

این مشکل زمانی نمایان تر می شود که بدانیم تحقق درآمد پیش بینی شده در قانون بودجه کل کشور مستلزم فروش ۵/۶ برابر سهام نسبت به سال گذشته است این رویه سازمان خصوصی سازی را که به عنوان مجری تحقق واگذاری سهام به بخش خصوصی است دو تنگنا قرار داد، بطوری که سازمان مذکور در تلاش است بر خلاف رویه

متعارف برای تأمین بودجه دولت سراغ دانه درشتها برود. یک کارشناس مسایل اقتصادی در همین زمینه می گوید: «در حال حاضر بخش خصوصی توانمندی در کشور وجود ندارد که بتواند درآمد پیش بینی شده در بودجه سال ۸۳ کل کشور را محقق سازد.

■ طبل مخالف

مشکل دیگری که در پروسه واگذاری سهام شرکتهای دولتی به بخش خصوصی وجود دارد، مخالفت برخی افراد است که در ساختار مدیریت دولتی نفوذ بسیار زیادی دارند. این افراد شامل مدیران شرکتهای دولتی هستند که به دلیل در خطر افتادن منافع آنها و همچنین برخورداری از مزایای خاصی همچنان بر طبل مخالفت خود می کوبند.

دکتر صحراییان، کارشناس اقتصادی در همین زمینه می گوید این افراد امتیازات بسیار بالایی را از این واحدها

در طول سالیان دراز نصیب خود کرده که نمونه آن حقوقهای ۶ میلیونی و پادشاهای ۱۰ میلیونی است که هیچ توجیهی ندارد.

■ بخش خصوصی ناخوان و بی انگیزه

از سوی دیگر تمایل نداشتن بخش خصوصی به فعالیتهای اقتصادی روند واگذاری سهام شرکتهای دولتی را کند کرده است به طوری که هر چند سازمان خصوصی سازی در جهت عرضه سهام شرکتهای دولتی گام برمی دارد اما بخش خصوصی نسبت به خرید این سهام بی میل است. زیان ده بودن شرکتهای دولتی، عدم توان رقابت این شرکتهای با شرکتهای رقیب در پهنه گسترده جهانی که در تجارت جهانی متبلور می شود، تغییر ساختار شرکتهای دولتی، فضای حاکم بر این شرکتهای، سود سرشار در بخش خدمات

و بازدهی کم شرکتهای از دلایل بی میلی و رغبت بخش خصوصی است. عدم فرهنگ سازی در زمینه تولید قبل از روند واگذاری سهام به بخش خصوصی از اهم مشکلات فراروی بخش خصوصی است.

از سوی دیگر عدم توازن در حرکت خصوصی سازی در بخشهای مختلف از جمله موانعی است که فراروی خصوصی سازی شرکتهای دولتی وجود دارد.

ایجاد توازن بین بازار مالی و پولی روند خصوصی سازی را تسهیل می کند، یعنی خصوصی سازی باید در تمام ابعادش شکل بگیرد، در همین زمینه عباس هشی - حسابرس معتمد بورس اوراق بهادار می گوید: به دلیل اینکه ما برای هر بخش خود خصوصی سازی جداگانه ای داریم، بنابراین واگذاری آنها نیز باید متناسب با یک سیستم درهم باشد یعنی ما نمی توانیم صنعت را خصوصی سازی کنیم ولی حسابرسی و بانکها را دولتی نگه داریم.

■ دور باطل!

عامل دیگر کندی روند خصوصی سازی شرکتهای دولتی، واگذاری این شرکتهای به دیگر بخشهای خانواده بزرگ دولت و یا به عبارتی به دیگر نهادهای سازمانهای تحت پوشش دولت است که کارشناسان از این رویه به سیاست «دست به دست کردن» یاد می کنند؛ در همین زمینه هشی می گوید: در اختیار گرفتن بخش عمده سهام بازار سرمایه به دست صندوق تأمین اجتماعی صندوق بازنشستگی و شرکت سرمایه گذاری دولتی یا بنیادها از جمله موانع تحقق واگذاری سهام به بخش خصوصی است.

او در همین زمینه می افزاید: اگر قرار است خصوصی سازی به معنی واقعی تحقق پیدا کند باید فرآیند تخصیص

سهام بازار سرمایه به بخش دولتی و بخش این سهام به بخش خصوصی صورت گیرد. در حال حاضر زمانی که فرآیند سازمان خصوصی سازی بلندی و خرید هم بلندی و شرکتهای دولتی خصوصی سازی دستوری به وجود می آید.